

شرح و تفسیر قانون مجازات عمومی

ماده اول

« مجازات های مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در مجازات عمده مجری خواهد بود و جرمهایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق حدود و تعذیرات مقرر در شرع مجازات میشوند. »

۱ - منع تاریخی .

۲ - علل تنظیم .

۳ - معنی حقیقی و فایده امروزه ماده مزبور .

۱ - منع تاریخی

قبل از ایجاد حکومت مشروطه در ایران قانون مجازات و دادگاه جزا بصورت فعلی وجود نداشت و قوانین مجازاتی منحصر بمقررات قانون اسلامی و محکمه آن محضر شرع بوده و وسائل معینه برای اثبات جرائم در حقوق اسلامی طوری بود که تهیه آن بسیار دشوار و میتوان گفت که از مستنعات عادی بشمار میرفته مثلاً اقامه چهار شاهد عادل که شهادت آنها از حیث زمان و مکان و نحوه اداء و سایر جزئیات خصوصیه متحد باشند و یا چهار مرتبه اقرار و غیره .

در حقوق اسلامی سه قسم جرم وجود داشت :

۱ - جرائم بر علیه افراد از قبیل جرح و ضرب که مجنی علیه مجاز بود مجرم را قصاص نموده و یا وجهی بعنوان دیه از او مطالبه نماید .

۲ - جرائمی که برای آنها یک نوع مجازات معین تحت عنوان حد مقرر بوده .

۳ - اعمالی که مستلزم مجازات تمذیری (تأدیب) بوده و قصاص در تعیین این اعمال و تعیین میزان مجازات آن اختیار نامحدود داشتند .

در اوائل قرن بیستم در ایران سیاست از روحانیت تفکیک نشده قضاوت با مذهب توأم و قوه قضائیه در دست طیفه روحانیون بوده و چون عده زیادی از پیشوایان مشروطیت

نیز از طیفه روحانی بوده و در مجالس مقننه جزء عناصر مؤثر بشمار میرفتند در موقع تدوین متمم قانون اساسی از لحاظ رعایت افکار عمومی که در آن زمان رواج داشت و از جهت تأمین وحدت سیاست و روحانیت اصل دوم متمم قانون اساسی را پیشنهاد و از تصویب گذرانیدند .

بعد از اعلان حکومت ملی در ایران و تصویب قوانین

اساسی و متمم آن بعضی از روزنامه نگاران آن زمان بدون توجه باین معنی که لازمه آزادی مقرر در قانون اساسی محدود شدن آزادی افراد است رویه افراط آمیزی را تعقیب و از درج هر گونه نسبت بهر کس خودداری نمی نمودند چون در قوانین اسلامی برای این گونه تخلفات مجازاتی مقرر نشده و قانون مجازاتی هم وجود نداشت این اعمال بدون مجازات مانده و هر روز بر شدت آن افزوده میشد .

رویه غیر قابل دوام جرائد موجب شکایت عده از طبقات مختلفه و منادیان مشروطیت را فراهم ساخت تا اینکه دولت بانوجه بافکار عمومی و عقاید علماء حقوق اسلامی قانون مطبوعات را به مجلس شورای ملی پیشنهاد و تصویب رسید .

در موقع تدوین قانون مطبوعات از لحاظ احترام بقانون اساسی و شائری ملی اعضاء مجلس شورای ملی اصل دوم متمم قانون اساسی را مستمسک قرار داده و شرط التزام شرعی را در تمام مجازاتهای این مدرج در قانون مزبور از حبس و جریمه و یا توقیف روزنامه و غیره قید کردند و نظر بعدم وجود قانون مجازات مدون گاهی در مورد جرائم عادی نیز بقانون مزبور استناد میکردند ولی چون جرائم مهم مطبوعاتی میبایستی با حضور هیئت منصفه رسیدگی شود و قانون هیئت منصفه از مجلس نگذشته بود لذا قانون مطبوعات هم بطور کامل اجرا نمیگردید .

چون عدم تطبیق شرایط و قیودی که در تحت تأثیر نفوذ روحانیون در قوانین ناقص جزائی پیش بینی شده بود

وجود اصل دوم متمم قانون اساسی بود. بدینجهت دادگاه های حقوقی و جزائی که حدود صلاحیت هر يك و طرز رسیدگی آنها معین و از یکدیگر منفک باشند تأسیس نشده بود. در ۱۲۹۰ شمسی بموجب اجازة مجلس شورای ملی برای تهیه قوانین مربوطه بهمدلیه کمیسیون ریاست مرحوم حسن پیرنیا (مشیرالدوله) از عده از روحانیون و آقای پرنی مستشار عدلیه تشکیل شده بود و کمیسیون مزبور لایحه قانون اصول تشکیلات عدلیه را مشتمل بر ۳۱۱ ماده تنظیم و مجلس شورای ملی آنرا تصویب نمود. طبق قانون مزبور دولت به تأسیس محاکم عادی و اختصاصی پرداخته و پس از مدتی محاکم استیناف و تمیز نیز تأسیس شده و حدود صلاحیت هر يك از محاکم مزبور بموجب لوایحی که از طرف اداره تنقیح قوانین تهیه میشد معین و ابلاغ میگردد.

در کتاب اول قانون اصول تشکیلات عدلیه طرز و شرایط انتخاب قضات و تأسیس محاکم عرف و عمومی بودن جلسات محاکم و آزادی دفاع پیش بینی شده و در کتاب دوم قانون مزبور طرز تأسیس و کار محاکم شرع صریحاً تعیین شده بود. محاکم شرع بوسیله وزارت عدلیه تأسیس میشدند ولی اشخاص میتوانستند دعاوی خودشان را (اعم از حقوقی یا جزائی) به محضر مجتهدی که از طرف وزارت عدلیه برسمیت شناخته نشده بود برده و رأی مجتهد مزبور مانند رأی محضر شرعی که برسمیت شناخته شده بود اعتبار داشت.

باری محاکم حقوق - جزا - تجارت و شرع تشکیل شد بدون اینکه قانون مدنی - قانون مجازات و قانون تجارت موجود باشد محاکم شرع برطبق قوانین اسلامی بامور جزائی رسیدگی میکردند و محاکم عرف (اعم از حقوق و جزا) در عمل برحسب عادات و رسوم طبق مستنبط از روح و مفاد قوانین بامور حقوقی و جزائی رسیدگی و مبادرت صدور حکم مینمودند.

قدم اساسی دیگری که برداشته شد تصویب قانون اصول محاکمات جزائی در ۱۳۳۰ بود. بموجب قانون مزبور دادگاه های جنحه و جنائی عمومی و اختصاصی تأسیس و هر چند قانون مجازاتی وجود نداشت ولی عملاً امور جزائی به دو نوع تقسیم میشد.

[مثلاً شرط التزام شرعی مقرر در قانون مطبوعات و غیره...]. با مقتضیات زمان بشدت محسوس گردید احتیاجات مربوطه بتأمین انتظامات عمومی حکومت وقت را و ادار نمود در سال ۱۳۲۹ لایحه نسبتاً کاملی بنام قانون جزای عرفی تهیه و بموجب تصویب هیئت وزراء بموقع اجرا گذارده ولی پس از گذشت مدت کمی در اثر جریانات و مقتضیات وقت لایحه مزبور الغاء و وضعیت بحال سابق برگشت نمود - مدعیان عمومی هر عملی را که مذموم تشخیص میدادند تعقیب نموده و قضات نیز در تشخیص و تعیین اعمالی که عنوان جرم میتوانست بر آن مصداق پیدا کند آزادی مطلق داشته و هر مجازاتی را که میخواستند درباره مجرم معین مینمودند - این رویه موجب شده بود که عملاً بیشتر احکامی که سیر تمیزی می نمود نقض بلا ارجاع میگردد - وضعیت فوق ادامه داشت تا آنکه قانون مجازات عمومی در سال - از تصویب مجلس شورای ملی گذشته و بموقع اجرا گذاشته شد و با ظهور قانون مزبور دوره تازه در تاریخ حقوق ایران شروع گردیده است.

۲ - علل تنظیم ماده مزبوره

بدون اینکه بخواهیم بتمام عللی که موجب تدوین ماده اول قانون مجازات عمومی شده اند اشاره کنیم در این مقاله بذکر علت تاریخی اکتفا میشود.

میتوان گفت که جهت اساسی تدوین ماده مزبور این بود که اصول محاکمات جزائی سالها قبل از تدوین قانون مجازات عمومی تصویب و بموقع اجرا گذارده شده و محاکم جزا در ایران تشکیل شده بود بدون آنکه قانون مجازاتی موجود باشد - مقننین ۱۳۰۵ در موقع تصویب قانون مجازات عمومی مواجه با وضعیت مزبور گشته و نمی خواستند که قانون جدید مخالفی با قانون اصول محاکمات جزائی داشته و منجر به تغییر تشکیلات قضائی گردیده و در عمل تولید اشکالی بنماید - باین مناسبت بود که در قسمت اخیر ماده اول قانون مجازات عمومی مقرر داشتند: جرمهایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق حدود و تعذیرات مقرر در شرع مجازات میشوند. - زیرا پس از استقرار سلطنت مشروطه در ایران تأسیس يك هیئت قضائیه بجای عدالت خانه های سابق با مشکلاتی روبرو شده بود که اهم آن ناشی از

۱- اعمالی که در قانون شرع جرم تشخیص و مجازات خاصی برای آنها مقرر شده بود - مرجع رسیدگی بآن اعمال دادگاه جنائی اختصاصی بود که تحت ریاست مجتهد جامع-الشرایط تشکیل میگردد.

۲- اعمالی که در قوانین اسلامی عنوان خاصی نداشته و برای آنها مجازاتی تعیین نشده لیکن تعقیب و مجازات مرتکبین آن اعمال از لحاظ تأمین انتظام عمومی لازم بود - مرجع رسیدگی باینگونه اعمال دادگاه های جنحه و جنائی عمومی بود که نتیجه تحقیق و تتبع از حیث جنبه تاریخی جریان امور جزائی آن اوقات میتوان پی برد که مستند دادگاه های مزبور در تعیین اعمال قابل مجازات و مجازات اعمال مزبور عرف و عادت عمومی و بعبارة آخری قوانین عادی بوده و در این جریان نیز از لحاظ اینکه قضات محاکم مزبور هم از میان طبقه روحانی منتخب میشدند روح و مفاد عمومی قوانین اسلامی نیز در تصمیمات آنها بی تأثیر نبوده ، این اختلاف

تشکیلات بین دادگاه های جنائی عمومی و اختصاصی از حیث اساس و طبیعت و علل ایجاد هر يك گاهی باعث ایجاد دو جریان متضاد که ممکن بود بیک نوع اختلافی تعبیر شود واقع میگردد مثلاً در مواردی نظر بعدم وجود مدعی خصوصی در اعمالی که شرعاً مجازات خاصی داشته مدعی العموم دادگاه جنائی عمومی متهم را در پیشگاه دادگاه مزبور مورد تعقیب قرار میداده و رسیدگی دادگاه فوق الذکر بحکم قطعی منتهی میگردد - پس از آن بعلمت پیدایش مدعی خصوصی و تعقیب از طرف او همان متهم نسبت بهمان موضوع در دادگاه جنائی و اختصاصی مورد تعقیب و محاکمه و حکم واقع میشده و بالنتیجه ممکن بود يك موضوع در دو دادگاه طرح و بصورت احکامی متفاوت یا متضاد منجر گردد و البته وضعیت مزبور را نمیتوان با مفهوم حقیقی اصل امنیت قضائی تطبیق پذیر دانست

تا تمام

دکتر محمود مشاور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی